



Developing a Framework for Transforming the Undergraduate Curriculum of Information Science and Knowledge Studies and Presenting a Proposed Plan

Gholamreza Heidari 

Associate Professor of Knowledge and Information Science, Razi University,
Kermanshah, Iran.

grrhaidari@gmail.com

Abstract

Purpose: The purpose of this paper is to develop a framework for transforming the undergraduate curriculum in Information Science and Knowledge Studies and to design a proposed curriculum for this field. To achieve this objective, a critical examination of existing curricula is required. Key questions include: How can past and current programs be reconsidered and revised? How can an effective and coherent new curriculum be designed and developed? To address these questions, it is necessary to assess the current state of educational programs, identify the criticisms directed at them, determine the most significant critiques, categorize and organize these critiques, analyze the dimensions and details of each, and finally, outline the main principles, criteria, and indicators for rethinking and revising the curriculum based on this categorization.

Method: This study employs a library-based research approach grounded in the critique and analysis of texts and perspectives, complemented by creative insights informed by philosophical inquiry and in-depth studies in education and curriculum development.

Findings: First, through a precise and comprehensive formulation of the problem, the major challenges and questions in this domain were systematically categorized and clearly articulated. The next step involved critically examining the current curricula and identifying the major axes of critique and their details. Subsequently, a network of frequently used terms in the everyday discourse of academic stakeholders was outlined, reflecting key concepts about the efficient and future-oriented educational programs needed today. These frequent terms help clarify the prevailing discourse and its implications for educational courses. Then, in relation to the major axes of critique and the lexical network and dominant discourse, the criteria and indicators for curriculum transformation were identified and classified. Accordingly, general, foundational, and specialized courses were reviewed, critiqued, and rethought based on the criteria shaping the path of transformation. Proposed courses for foundational, general, compulsory, specialized, elective, and even technological and entrepreneurial tracks—which are essentially extensions of the compulsory and elective courses—were identified and presented. Finally, through the analysis

Cite this article: Heidari, GH. (2025). Developing a Framework for Transforming the Undergraduate Curriculum of Information Science and Knowledge Studies and Presenting a Proposed Plan. *Science and Technology of Information Management*, 11 (3), 284-316. <https://doi.org/10.22091/STIM.2025.10975.2121>

Received: 2024-07-07 ; **Revised:** 2025-01-12 ; **Accepted:** 2025-03-01 ; **Published online:** 2025-03-02

© The Author(s).

Article type: Research Article

Published by: University of Qom.



and refinement of the various specialized courses and their internal processes, strategies for enhancing the effectiveness of each course in alignment with the criteria were offered.

The paper's final recommendation is to implement an extensive and in-depth research project to complete and realize the proposed curriculum for undergraduate education in Information Science and Knowledge Studies.

Conclusion: Any decision-making concerning the curriculum of Information Science and Knowledge Studies is complex and specialized, necessitating a systematic and methodical approach. Therefore, it is essential to draw fully on the expertise of scholars who have conducted specialized research in the foundations of education and curriculum design. This paper has provided examples of how various dimensions of the undergraduate curriculum in this field can be analyzed and systematically expanded or refined. Extending these efforts and conducting more in-depth work on each component will require further study and research. For example, when considering specific courses and expanding discussions on various sections of current undergraduate programs, many issues cannot be fully addressed within the scope of a single article and require broader platforms. Such a platform could be developed through a large-scale research project. Additionally, due to space constraints, numerous points concerning the criteria, indicators, and their implications are not included here. For instance, adding courses on educational program analysis and futures studies into the foundational and specialized components can be justified based on the discipline's five-dimensional framework (identity, education, research, entrepreneurship, and future). Similarly, the alignment and overlap among initial course critiques, the criteria and indicators, the main axes of final analysis, and the challenge of enhancing course effectiveness remain areas requiring further reflection and attention from researchers.

Keywords: Curriculum, Information Science and Knowledge Studies, Undergraduate Program, Rethinking and Revising, General Courses, Foundational Courses, Compulsory Specialized Courses, Elective Specialized Courses, Technological Courses, Entrepreneurial Courses.



تدوین چارچوبی برای تحول در برنامه درسی دوره کارشناسی علم اطلاعات و دانش‌شناسی و ارائه یک طرح پیشنهادی

غلامرضا حیدری 

دانشیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

ghrhaidari@gmail.com

چکیده

اهداف: هدف این نوشتار تدوین چارچوبی برای تحول در برنامه درسی دوره کارشناسی علم اطلاعات و دانش‌شناسی و طراحی یک برنامه درسی پیشنهادی برای این رشته بوده است. دستیابی به این هدف پیش از هر چیز مستلزم نقد برنامه‌های درسی موجود است. از جمله پرسش‌های کلیدی که این پژوهش به دنبال پاسخگویی به آن‌ها بوده، این است که چگونه می‌توان برنامه‌های قبلی و فعلی را مورد بازاندیشی و بازنگری قرار داد و یک برنامه کارآمد و منسجم نوین طراحی و تدوین کرد؟ برای این منظور ابتدا لازم است بدانیم که وضعیت برنامه‌های آموزشی فعلی چگونه است؟ چه نقدهایی به این برنامه‌ها وارد است؟ مهم‌ترین این نقدها کدامند؟ این نقدها را چگونه می‌توان دسته‌بندی و مرتب کرد؟ ابعاد و جزئیات هر یک از این نقدها چیست؟ و چگونه می‌توان با مرتب کردن این نقدها، خطوط اصلی بازاندیشی و بازنگری و معیارها و شاخص‌های آن را شناسایی و ترسیم کرد؟

روش‌شناسی: روش پژوهش در این پژوهش کتابخانه‌ای و مبتنی بر نقد و تحلیل متون و دیدگاه‌ها و خلاقیت مبتنی بر مطالعات فلسفی و عمیق در حوزه آموزش و برنامه‌های آموزشی است.

یافته‌ها: ابتدا با طرح دقیق و همه‌جانبه مسئله، مهم‌ترین چالش‌ها و سؤالاتی که در این زمینه وجود دارد، به گونه‌ای روشن‌مند و نظام‌مند دسته‌بندی و تدوین شدند. قدم بعدی نقد و بررسی وضعیت برنامه‌های درسی موجود و شناسایی و تحلیل محورهای عمده نقد و جزئیات آن بود. در ادامه، شبکه‌ای از واژگان پرسامد در گفتارهای روزمره دغدغه‌مندان دانشگاهی ترسیم شد که بیانگر کلیدی‌ترین مفاهیم در مورد دوره‌های آموزشی کارآمد و مورد نیاز امروز و آینده است. این اصطلاحات و کلمات پرتکرار تا حدودی تکلیف‌گفتمان غالب و پیامدهای آن برای دروس آموزشی را روشن می‌کند. سپس، معیارها و شاخص‌های تحول در تناظر با محورهای عمده نقد، شبکه‌ی واژگانی و گفتمان غالب، شناسایی و دسته‌بندی شدند. در همین راستا، دروس عمومی، پایه، و تخصصی با توجه به معیارها و شاخص‌های

استناد به این مقاله: حیدری، غ. (۱۴۰۴). تدوین چارچوبی برای تحول در برنامه درسی دوره کارشناسی علم اطلاعات و دانش‌شناسی و ارائه

یک طرح پیشنهادی. علوم و فنون مدیریت اطلاعات، ۱۱(۳)، ۳۱۶-۳۸۴. <https://doi.org/10.22091/stim.2025.10975.2121>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۱۷؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۱۰/۲۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۱؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۱۲/۱۲



تعیین‌کننده مسیر تحول، نقد و بررسی و بازاندیشی و بازنگری شدند و دروس پیشنهادی، برای دوره‌های آموزشی پایه، عمومی، تخصصی الزامی (اجباری)، و اختیاری و حتی فناوریانه و کارآفرینانه، که در واقع و به ترتیب ادامه دروس الزامی و اختیاری به شمار می‌آیند، شناسایی و ارائه شدند. در نهایت با تحلیل، و قبض و بسط انواع دروس تخصصی، و فرایندهای موجود در آن‌ها، راهکارهایی برای چگونگی کارآمدسازی تک تک دروس در نسبت با معیارها، ارائه شد. پیشنهاد نهایی این متن اجرای یک طرح پژوهشی وسیع و عمیق برای تکمیل و به سرانجام رساندن طرح پیشنهادی این پژوهش برای آموزش در دوره کارشناسی علم اطلاعات و دانش‌شناسی است.

بحث و نتیجه‌گیری: هرگونه تصمیم‌گیری درباره برنامه درسی علم اطلاعات و دانش‌شناسی، یک بحث پیچیده، تخصصی و نیازمند رویارویی روشمند و نظام‌مند است. بنابراین لازم است به‌صورت کامل از دانش و تخصص کسانی که در حوزه‌های مبانی و آموزش کار تخصصی کرده‌اند، استفاده شود. در این نوشتار نمونه‌هایی از چگونگی تحلیل و قبض و بسط روش‌مند و نظام‌مند ابعاد مختلف برنامه درسی دوره کارشناسی علم اطلاعات و دانش‌شناسی ارائه شد. توسعه و ادامه این تلاش‌ها و کار عمیق در تک تک بخش‌های این نوشتار مستلزم مطالعه و پژوهش بیشتر است. برای نمونه در مورد دروس مختلف و توسعه بحث در بخش‌های مختلف برنامه‌های آموزشی و درسی موجود دوره کارشناسی علم اطلاعات و دانش‌شناسی، نکات زیادی برای ارائه وجود دارد که در قالب یک مقاله محدود نمی‌گنجد و نیازمند محمل‌ها و فضاهای خاص دیگری است. این فضا می‌تواند با ارائه یک طرح بزرگ پژوهشی ایجاد و مهیا شود. همچنین در مورد معیارها و شاخص‌ها و پیامدهای هر یک از آن‌ها، نکته‌های زیادی وجود دارد که به دلیل محدودیت تعداد صفحات در این نوشته نیامده است. برای نمونه اضافه کردن دروس مربوط به آشنایی با برنامه‌های آموزشی و آینده‌پژوهی به دروس پایه و تخصصی را می‌توان با استناد به معیار ابعاد پنج‌گانه رشته (هویت، آموزش، پژوهش، کارآفرینی، آینده) توجیه و تبیین کرد. یا تناظر و همپوشانی بین نقدهای اولیه مربوط به دروس، معیارها و شاخص‌ها، و محورهای اصلی تحلیل نهایی، و کارآمدسازی به‌عنوان یک چالش ذهنی برای پژوهشگران، همچنان نیازمند توجه و تأمل بیشتر است.

کلیدواژه‌ها: برنامه درسی، علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دوره کارشناسی، بازاندیشی و بازنگری، دروس عمومی، دروس پایه، دروس تخصصی الزامی (اجباری)، دروس تخصصی اختیاری، دروس فناوریانه، دروس کارآفرینانه.

۱. طرح مسئله و سؤالات اساسی

سیاست‌های اخیر وزارت علوم درباره محدود کردن تعدادی از رشته‌های دانشگاهی در علوم اجتماعی و انسانی^۱ و به‌طور خاص در علم اطلاعات و دانش‌شناسی، پرسش‌های زیادی پیش روی استادان، کارشناسان، و دانشجویان این حوزه قرار داده است که سرجمع آن‌ها را می‌توان در سه محور کلی زیر دسته‌بندی کرد:

- سؤالات و چالش‌های وزارت‌خانه‌ای؛
- پرسش‌های دانشجویی؛
- پرسش‌های جدی‌تر در مورد رویارویی روشمند و نظام‌مند و علمی با مسئله و ابعاد آن.

در تناظر با محورهای فوق، و در پاسخ به این پرسش که چه سؤالاتی درباره برنامه آموزشی و درسی دوره کارشناسی علم اطلاعات و دانش‌شناسی وجود دارد؟ و این سؤالات چگونه دسته‌بندی می‌شوند؟ می‌توان به ترتیب به این موارد اشاره کرد:

سؤال و چالش اول را خود وزارت‌خانه ایجاد کرده است. پرسش و رویارویی نخست ما هم، از چرایی تصمیمات وزارت‌خانه در مورد رشته برآمده است. به نظر می‌رسد در این جا سؤال اصلی از میزان کارآمدی و بهره‌وری و یا داشتن مخاطب و مشتری است و در نهایت این که چه برنامه‌هایی برای وزارت‌خانه در اولویت است؟ و آیا این رشته به اندازه کافی در اولویت قرار دارد؟ چرا این رشته باید باقی بماند و یا توسعه پیدا کند؟

پرسش دیگر اعم از این که آگاهانه باشد یا ناخودآگاه، از سوی مخاطبان اصلی و دانشجویان، قابل طرح است. این که آیا برنامه فعلی به اندازه کافی برای کسانی که وارد این رشته می‌شوند، از جذابیت و کارآمدی لازم برخوردار است؟ آیا در طول دوره کارشناسی مهارت خاصی در حد عمیق و تخصصی، قابل دستیابی است؟ به‌طور خاص وضعیت برنامه‌های فعلی در مقایسه با دوره‌های مهارتی کوتاه مدت بیرون از دانشگاه چگونه است؟ سؤال آخر دانشجویان این است که آیا مجموعه برنامه‌های این رشته به کار و شغل منتهی می‌شود؟

پرسش سخت و اصلی اما پرسش از چگونگی رویارویی روشمند و نظام‌مند با مسئله است. پرسش این است که چگونه می‌توان با این مسئله رویارویی روشمند و نظام‌مند و علمی داشت؟ از

۱. این موضوع پیروی اطلاعاتی مربوط به محدودیت پذیرش دانشجو و جلوگیری از دریافت برخی مجوزها برای راه‌اندازی رشته‌های جدید در ارتباط با حدود ۲۰ رشته رخ داده است.

ویژگی‌های برخورد روشنمند و نظام‌مند توجه به جامعیت، عمق، و روزآمدی در طرح مسئله و سپس ادامه و پیشبرد آن است. در راستای توجه به این ویژگی‌ها، باید به مسئله‌مند کردن موضوع پرداخت و در سطحی عمیق‌تر و یک بار دیگر از خود پرسید مسئله چیست؟ و ابعاد آن کدامند؟

هرچند مسئله با زیر سؤال رفتن توسعه رشته از سوی «وزارت علوم و فناوری و نوآوری» شروع شده است، اما این موضوع نباید ما را از ابعاد چندگانه و پیچیده آن غافل کند. در راستای جامعیت بخشیدن به فهم مسئله، به تمامی ذی‌نفعان، سیستم‌های فراگیر، و زیر سیستم‌ها باید توجه و نقد و بررسی شوند. علاوه بر سؤالاتی که از منظر وزارت خانه و مخاطبان برنامه‌ها یعنی دانشجویان مطرح می‌شوند، پرسش‌های کلیدی دیگر، پرسش از نسبت رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی با جامعه اطلاعاتی و دانشی جهانی، و جامعه کنونی ما، و نسبت این رشته با کار و پول و خدمت و تربیت انسان دانا و توانا و ماهر و به عبارتی حرفه‌ای شدن و حتی انسان شدن است. این که جامعه امروز چگونه جامعه‌ای است؟ چه مسائل و آموزش‌هایی در آن اولویت دارند؟ و حرفه‌ای شدن و پول‌سازی در بازار کنونی چگونه میسر می‌شود؟ و بالاخره این که آیا این رشته از ظرفیت لازم برای برآورده کردن این نیازها و پاسخ به سؤالات پیش گفته، برخوردار است؟

ساده‌سازی و ساده‌انگاری در نوع رویارویی با مسئله، برای مثال در قالب کم و زیاد کردن تعدادی از دروس و دست کشیدن به سر و روی برنامه‌های موجود، هر چه باشد یک کار عمیق و یک برخورد هوشمندانه و علمی و دانشی و دانشگاهی نیست. مسئله عمق در اینجا توجه به تغییرات بنیادین و تحولات گفتمانی و پیامدهای جدی آن در ابعاد مختلف برنامه آموزشی و درسی است. همچنین در راستای عمق بخشیدن به مسئله و تخصصی دیدن آن، توجه به دیدگاه‌های افراد متخصص رشته و به طور خاص کارشناسان حوزه‌های مبانی و آموزش و در نهایت تأکید بر لزوم انجام پژوهش‌های عمیق علمی و تخصصی درباره آن ضروری به نظر می‌رسد.

پرسش جدی دیگر در مورد ابعاد و عمق مسئله، پرسش از متن و محتوای برنامه‌ی آموزشی رشته است. اساساً در گفتمان موجود و غالب فعلی، شبکه‌واژگانی، کلیدواژه‌ها، و عباراتی که بیانگر و قطب‌نمای تغییرات و تحولات پیش رو هستند، کدامند؟ و در دنیای کنونی و حتی فراتر از چارچوب‌های آکادمیک و دانشگاهی، برای یک انسان امروزی چه ویژگی‌ها، شایستگی‌ها، و دانش‌ها و مهارت‌هایی از اهمیت و اولویت برخوردارند؟ در یک مرحله دیگر و در چارچوب آکادمی، و از منظر بینش دانشگاهی، پیش از ورود به تخصص حرفه‌ای، شایستگی‌های کانونی عمومی برای تمامی کسانی که وارد دانشگاه می‌شوند، کدامند؟ از سوی دیگر و در حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، شایستگی‌های کانونی تخصصی این رشته کدامند؟ و چگونه می‌توان در

بین موضوعات زیاد موجود، بدون پراکنده کاری و گم‌گشتگی، به انسجام و یکپارچگی و تداوم دست یافت؟ به‌طور خاص دروس فعلی تخصصی الزامی (اجباری) و اختیاری چگونه و براساس چه معیارها و شاخص‌هایی قابل تمایزگذاری می‌شوند؟ کلیت و ساختار کلی برنامه فعلی که ذیل سرتیترهای دروس عمومی، دروس پایه، دروس تخصصی الزامی (اجباری) و اختیاری، و دروس تکمیلی برای اشتغال‌پذیری و کارآفرینی دسته‌بندی شده‌اند، را چگونه می‌توان بازاندیشی و بازنگری کرد؟ و بالاخره، در حرکت ناگزیر به سوی برنامه کارآمد و مطلوب، تحول چگونه امکان‌پذیر می‌شود و براساس چه معیارهایی قابل اجرا خواهد شد؟ به عبارتی، شاخص‌ها، معیارها و سؤالاتی که جهت و چارچوب برنامه جدید را برای ما مشخص می‌کنند، کدامند؟ و وزن هر یک از این معیارها چقدر است؟ و چگونه می‌توان هر یک از دروس و برنامه‌ها را در نسبت با معیارها و شاخص‌ها نقد و تحلیل و در مورد ضرورت حضور یا کم‌اهمیتی آن داوری کرد؟ و در نهایت و فراتر از آن، چگونه می‌توان یک طرح نوین و کارآمد برای آموزش در علم اطلاعات و دانش‌شناسی طراحی و پیشنهاد کرد؟

قبل از پاسخ به این سؤالات، نقد و تحلیل وضعیت فعلی برنامه‌های آموزشی ضروری به نظر می‌رسد. زیرا هرگونه بازاندیشی و بازنگری در برنامه‌های آموزشی، پیش از هرچیز مستلزم نقد و بررسی برنامه‌های قبلی و فعلی و استخراج محورهای عمده نقد و حتی بررسی جزئیات آن است. پرسش کلیدی در اینجا این است که چگونه می‌توان برنامه‌های قبلی و فعلی را مورد بازاندیشی و بازنگری قرار داد و یک برنامه کارآمد و منسجم نوین طراحی و تدوین کرد؟ برای این منظور ابتدا لازم است بدانیم که وضعیت برنامه‌های آموزشی فعلی چگونه است؟ چه نقدهایی به این برنامه‌ها وارد است؟ مهمترین این نقدها کدامند؟ این نقدها را چگونه می‌توان دسته‌بندی و مرتب کرد؟ ابعاد و جزئیات هر یک از این نقدها چیست؟ و چگونه می‌توان با مرتب کردن این نقدها، خطوط اصلی بازاندیشی و بازنگری و معیارها و شاخص‌های آن را شناسایی و ترسیم کرد؟

۲. نقد برنامه‌های آموزشی قبلی (سال ۱۳۹۱) و فعلی دوره کارشناسی علم-

اطلاعات و دانش‌شناسی در پنج دانشگاه علامه، مشهد، اصفهان، تبریز و شاهد در پاسخ به سؤالاتی که مطرح شد می‌توان محورهای اصلی نقد را از منظر تمامی ذی‌نفعان و متولیان و مخاطبان این برنامه‌ها، اعم از وزارت علوم، استادان و کارشناسان برنامه‌ها، دانشجویان و مخاطبان این برنامه‌ها، و در نهایت جامعه و ضرورت پاسخ‌گویی اجتماعی در قبال این برنامه‌ها، بررسی کرد. تمامی ذی‌نفعان در مورد مشکلات، ضعف‌ها، و نارسایی‌های برنامه‌های موجود تا حدود زیادی

اشتراک نظر دارند، با این وجود از بین گروه‌های مختلف و بیش و پیش از بقیه ذی‌نفعان، استادان و کارشناسان باید به گونه‌ای روشنمند و نظام‌مند و علمی پاسخ‌گوی مسائل و مشکلات مربوط به این برنامه‌ها باشند و برای این مسائل چاره‌اندیشی و چاره‌سازی کنند. قبلاً مهمترین مسائل آموزشی رشته را در مقاله‌ای و در ده محور عمده دسته‌بندی کرده و شرح داده‌ام (حیدری، ۱۳۹۰). در ادامه به مهمترین محورهای نقد برنامه‌های درسی موجود توجه شده است.

محورهای عمده نقد که تعدادی از آن‌ها در ادامه بحث و بررسی می‌شوند عبارتند از:

- غفلت از رویارویی روشنمند و نظام‌مند و تخصصی با برنامه آموزشی،
- غفلت از توجه به آینده جامعه اطلاعاتی و دانشی و علم و فناوری و نوآوری،
- کهنه و قدیمی و حتی منسوخ بودن تعداد زیادی از دروس موجود در این برنامه‌ها،
- ابهام در گفتمان و فلسفه شکل‌گیری دروس با توجه به تحولات عصری و نسلی،
- کم‌دانی در مورد مفهوم اطلاعات و فرایندها و سطوح آن،
- کم‌دانی در مورد مفهوم داده، دانش، و دیگر مفاهیم نزدیک به اطلاعات و فرایندها و سطوح آن‌ها،
- نبود انسجام، نامرتبی، و حتی پریشانی در چینش دروس و ارتباط طولی و عرضی آن‌ها،
- استفاده از کلمات و عبارات مختلف و گاه متفاوت برای نام‌گذاری یک درس واحد،
- ناهماهنگی در برنامه‌های فعلی دانشگاه‌های مختلف،
- نبود تناظر با پژوهش و فناوری،
- نبود تناظر با هویت، پژوهش، کارآفرینی، و آینده‌نگری،
- نبود تناظر با دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری،
- پراکندگی و کم ربط بودن برنامه‌ها در نسبت با شایستگی‌های کانونی عمومی و تخصصی،
- نقد به جزئیات و محتوای آموزشی هر درس و فراگیری در ابعاد نظر، عمل، فناوری، و کارآمدی،
- کم توجهی به بازار کار و تکیه بی دلیل به مشاغل محدود دولتی،
- بی‌توجهی به کار واقعی و کارآمدسازی دروس،
- بی‌توجهی به عمق و تخصص جدی،
- کم ارزش بودن دروس و بسته‌های آموزشی برای فروش و بازاریابی،

○ کم توجهی به نوآوری‌های تکنولوژیکی و هوش مصنوعی.

در ادامه ابتدا سه مورد از مهمترین موارد فوق و سپس سه زیرمجموعه آنها برای نمونه تشریح شده است. در آخر هم به ناهماهنگی در نام‌گذاری دروس مورد توجه شده است.

۱-۲. نامشخص بودن و ابهام در فلسفه شکل‌گیری دروس

روشن نیست که دروس فعلی بر اساس چه فلسفه‌ای شکل گرفته‌اند؟ آیا اساسا فلسفه‌ای دارند؟ و اگر دارند آیا آن فلسفه مربوط به گذشته بوده است یا اکنون نیز کارآمدی دارد؟ فلسفه آموزش در ابعاد مختلف همواره در حال دگرگونی بوده و باید دید اکنون گفتمان غالب در فلسفه آموزش چیست؟ و چگونه می‌توان دروس موجود یا لازم را بر آن اساس بازآفرینی و بازنویسی کرد؟ در بحث از فلسفه آموزش در مقاله «آموزش کتابداری و علم اطلاعات در ایران: موانع و راهکارها» در این مورد توضیح داده‌ام (حیدری، ۱۳۹۰).

تناقض و تعارض در اینجاست که گفتمان کنونی دانشگاه و آموزش عالی، گفتمان کارآفرینی و مسئولیت اجتماعی است، درحالی‌که دروس موجود براساس گفتمان‌های قبلی یعنی آموزش و پژوهش تنظیم شده‌اند. نکته کلیدی دیگر این که فلسفه آموزش در گذشته مبتنی بر کسب دانش بوده است و این موضوع حتی به چینش و طرز نشستن در کلاس هم جهت داده است^۱، درحالی‌که فلسفه آموزش در مراحل بعدی، اشتراک و خلق دانش بوده است و اکنون حتی براساس فلسفه و گفتمان دانش محوری، پا را از آن هم فراتر گذاشته است. این درحالی است که برنامه‌های آموزشی فعلی حتی به مرحله قبل از آن هم اعتنا و هوشیاری ندارند.

۲-۲. نبود انسجام و ارتباط ارگانیک در چینش عمودی و افقی دروس

در این بخش پرسش این است که دروس موجود چه نسبتی با یکدیگر دارند؟ و چرا به این صورت دسته‌بندی و چیده شده‌اند؟ پاسخ این است که به نظر می‌رسد ارتباط معقول و هوشمندانه‌ای در بین دروس دیده نمی‌شود. در این برنامه دروس عمومی، پایه، تخصصی الزامی و اختیاری و دیگر موارد، درهم و گاهی به صورت فله‌ای ارائه شده‌اند. برای نمونه در تعدادی از برنامه‌ها پردازش زبان طبیعی، مبانی آرشيو، مدیریت دانش، و علم‌سنجی در دروس پایه جای‌گذاری شده‌اند.

۱. در این رویکرد استاد علامه است و دانشجو و ذهن او مانند یک ظرف خالی در نظر گرفته شده است. کسب دانش از استاد همه چیزدان اقتضاء می‌کند روبروی او و بی‌توجه به دیگر ظرف‌ها و زنبیل‌های خالی کناری، در کلاس بنشینند و از تنها منبع آگاهی و دانش کلاس، کسب فیض کنند. استاد «خود» کلاس است و بقیه «دیگری» و غیر خود. استاد علاوه بر علامه بودن حتی دیکتاتور کلاس است و دانشجو فقط باید فرمان ببرد. روشن است که برآیند این رویه، به مراتب حتی با کارآفرینی و مسئولیت‌پذیری فاصله دارد تا چه رسد به خلق و اشتراک دانش و خلاقیت و یادگیری واقعی!

۳-۲. کهنه و قدیمی و منسوخ بودن تعدادی از دروس

دروس زیادی در این برنامه حضور دارند که عملاً کارایی خود را در دنیای کنونی از دست داده‌اند. برای مثال، انواع کتابخانه‌ها به شکل سنتی بخش عمده‌ای از برنامه‌های قبلی و فعلی را پرکرده است که نیازمند بازاندیشی و بازنگری جدی است؛ و لازم است با دروسی مانند کتابخانه‌های دیجیتال و الکترونیکی و سامانه‌های اطلاعاتی تخصصی جایگزین شوند. ساختمان و تجهیزات کتابخانه ارزش صرف وقت ندارد. مجموعه‌سازی، سازمان‌دهی، و مرجع به شکل سنتی ارزش صرف وقت ندارند. مواد و خدمات کودکان و بزرگسالان نیازمند تحول است.

۴-۲. گفتمان منسوخ در دروس عمومی

هرچند در دروس عمومی برنامه فعلی، مفاهیم کلیدی و مهمی مانند اندیشه، انسان، حقوق اجتماعی و سیاسی، فلسفه اخلاق، اخلاق، آئین زندگی، عرفان عملی، قانون، تاریخ، فرهنگ، متون دینی، فارسی، انگلیسی، و تربیت بدنی به نوعی وجود و حضور دارند، اما گفتمان حاکم بر آن، نوع نگرش و به دنبال آن شیوه ارائه دروس برآمده از این مفاهیم، در عمل به گونه‌ای پیاده شده است که بیشتر دانشجویان را از معنای اصلی این مفاهیم دور کرده و فراری می‌دهد و به نظر می‌رسد دستاورد ارزشمندی به دنبال نداشته است.

۵-۲. جای‌گذاری نامناسب دروس پایه

دروس پایه فعلی مبتنی بر شایستگی‌های کانونی عمومی طراحی نشده‌اند. منطق حضور دروسی مانند روان‌شناسی اجتماعی یا ساختمان داده، مبانی آرشیو، واژه‌پردازی، مبانی ارتباط‌شناسی، آشنایی با مطبوعات و رسانه‌ها، متون اختصاصی (۱)، مقدمات پردازش زبان طبیعی، آشنایی با مدیریت دانش، و آشنایی با علم‌سنجی، در بین این دروس روشن نیست. این دروس بیشتر تخصصی هستند تا پایه.

۶-۲. دروس تخصصی کهنه و نامنسجم

در اینجا تنها به چند ایراد اساسی این دروس به طور کلی اشاره می‌شود و توضیح و نقد مفصل آن را به بخش تحلیل دروس تخصصی ارجاع می‌دهم. دروس قبلی و فعلی مانند مجموعه دروس مجموعه‌سازی، مجموعه دروس سازمان‌دهی و مجموعه دروس مرجع که در واقع جزء فرایند سنتی مدیریت اطلاعات به شمار می‌روند، تا حدود زیادی کهنه و منسوخ شده‌اند. در مورد انواع کتابخانه‌ها دروسی در این برنامه حضور دارند که هم سنتی و منسوخ هستند و هم زیاد بودن این نوع از دروس در برنامه‌های قبلی و فعلی نمایان است. این برنامه دروس مربوط به محمل‌های اطلاعاتی

غیر از مدیریت نشریات ادواری را از قلم انداخته است و یا شاید تنوع محمل‌ها به دلیل تازگی آن در این برنامه‌های قدیمی دیده نشده است.

۲-۷. استفاده از اسامی مختلف برای یک درس واحد

اصولی برای استفاده هماهنگ از کلمات و اصطلاحات موجود در عنوان دروس وجود دارد که در این برنامه‌ها به کلی از آن غافل شده‌اند. برای نمونه تعدادی از این ناهماهنگی‌ها در ادامه بیان شده است:

✓ فنون مطالعه و خواندن- مطالعات خواندن- روش‌ها و فنون مطالعه- جامعه‌شناسی اوقات فراغت و مطالعه- جامعه‌شناسی مطالعه- اصطلاحات دیگر را هم می‌توان اضافه کرد: مدیریت مطالعه- مفهوم و مهارت‌های مطالعه- علم، مدیریت، و فناوری مطالعه- مفهوم مطالعه- مسئله مطالعه- مهارت‌های مطالعه- فناوری مطالعه، و مانند آن.

✓ ساختمان داده- پایگاه داده- علم داده- مدیریت داده- مبانی علم داده- مقدمات علم داده- فناوری داده- تحلیل داده- ابر داده یا داده‌های کلان- تجزیه و تحلیل داده‌های کلان- داده‌کاوی یا علم، مدیریت و فناوری داده، داده‌های کاربردی، داده‌های هوشمند یا هوشمندسازی داده‌ها، مهندسی داده‌ها.

✓ ارتباط‌شناسی- نظریه‌های ارتباطات- نظریه‌های اطلاعات و ارتباطات- مهارت- های ارتباطی- مبانی ارتباط‌شناسی- مهارت‌های ارتباطی در کتابخانه‌ها و مراکز اطلاعاتی.

✓ کتابخانه‌های دیجیتال، طراحی کتابخانه‌های دیجیتال، مدیریت کتابخانه‌های دیجیتال، ایجاد یا توسعه کتابخانه‌های دیجیتال.

✓ آرشیو، مبانی آرشیو، مدیریت آرشیو.

✓ سواد اطلاعاتی، آموزش سواد اطلاعاتی، سواد اطلاعاتی و رسانه‌ای.

✓ هنوز در عنوان تعدادی از دروس از کلمه لاتین استفاده می‌شود. مانند واژه پردازی فارسی و لاتین!

اگر تنها به معیار سه‌گانه «نظر، عمل، فناوری» دقت شود، قبل از هرگونه نام‌گذاری باید دید درس در چه مرحله یا مراحل ارائه می‌شود، تا در نسبت با آن مرحله، نام مناسب و متناظر خود را دریافت کند.

۳. اصول، معیارها، و شاخص‌های تحول در برنامه‌های آموزشی

در این بخش پرسش این است که، تحول و بازاندیشی و بازنگری باید براساس چه اصول و معیارهایی انجام شود؟ این معیارها را چگونه و از کجا می‌توان استخراج کرد؟ علاوه بر شناسایی و تدوین این شاخص‌ها، برای تشخیص میزان اولویت و اهمیت هر یک از دروس باید روشن شود که وزن هر یک از این معیارها چه قدر است؟

قبلاً در مقالاتی مانند «قبض و بسط رشته‌ای در علم اطلاعات»، «آموزش کتابداری و علم اطلاعات در ایران: موانع و راهکارها»، «نظریه‌ی ترکیبیات اطلاعات»، «تغییر نام و محتوای آموزشی...: تدوین چارچوبی برای تفکر» (حیدری، ۱۳۸۸؛ ۱۳۸۹؛ ۱۳۹۰؛ ۱۴۰۱) و مانند آن (تنو، ۱۳۹۳)، بر این موضوع تأکید شده است که یک سری از اصول و معیارها وجود دارند که در قبض و بسط‌های رشته‌ای به‌طور کلی و از جمله در حوزه آموزش، قابل شناسایی، دسته‌بندی، و ارائه هستند. این معیارها و شاخص‌ها می‌توانند ملاک هرگونه تغییر و تحول و خلاقیت در آموزش باشند. بنابراین، قبل از هر چیز لازم است این معیارها شناسایی و تدوین شوند تا براساس آن‌ها دیگر موارد را بتوان استخراج کرد. علاوه بر این، اصول موجود در متون، دو خاستگاه دیگر برای شکل‌گیری معیارها و شاخص‌های بازاندیشی و تحول در این پژوهش، محورهای عمده نقد در برنامه‌های آموزشی فعلی و همچنین توجه به ابعاد گفتمان غالب و جهانی و روح زمانه است.

اهمیت رسیدن به چارچوبی از معیارها و شاخص‌ها این است که به تفکر و عمل حرفه‌مندان اطلاعات و دانش، کمک می‌کند تا در همان چارچوب کارآمد و مشخص به فکر چاره‌اندیشی، چاره‌سازی، و نوآوری باشند و انرژی خود را در مسیرهای دیگر و بیهوده هدر ندهند. ازاین‌رو، برای چارچوب دادن به تفکر، تمرکز بر موارد کلیدی، انجام کار عمیق و تخصصی، و ظهور خلاقیت و نوآوری، در جهت رسیدن به برنامه کارآمد آموزشی، معیارها و شاخص‌های زیر قابل توجه هستند:

- توجه به ابعاد و مسائل بین‌المللی و جهانی،
- توجه به آینده علم و فناوری و موضوعات و مسائل کلیدی در جامعه اطلاعاتی و دانش امروز و آینده،
- توجه به گفتمان مسئولیت اجتماعی و در نهایت دانش محور و دانش بنیان،
- توجه به اولویت‌بندی و انتخاب شایستگی‌های قانونی عمومی و تخصصی: دروس هسته و کلیدی به تعداد محدود و منسجم،
- توجه به تناظر با گرایش‌های کارشناسی ارشد و دکتری،
- توجه به تناظر با پژوهش‌ها و اولویت‌های پژوهشی،

- توجه به سه بُعد نظر، عمل، فناوری یا به عبارتی دانش، مهارت‌ها، و فناوری‌های نوین،
- توجه به سه بُعد آموزش، پژوهش، کارآفرینی،
- توجه به سه محور مدیریت‌ها، فرایندها، نظام‌ها در نسبت با سه محور اطلاعات، محمل‌ها، نظام‌ها،
- توجه به پنج محور اصلی رشته: هویت، آموزش، پژوهش، کارآفرینی، آینده،
- توجه به پنج محور: خود، رشته، سازمان، ملی، بین‌المللی،
- توجه به بازار کار و تحولات آن، ضرورت حرفه‌ای شدن و پول‌سازی،
- توجه به تولید بسته‌های ارزشمند و قابل فروش آموزشی،
- توجه به کاربردی بودن و کارآمدسازی دروس،
- توجه به نوآوری‌های تکنولوژیکی و هوش مصنوعی،
- توجه و تمرکز بر انواع مدیریت،
- توجه به فرایند اطلاعات، داده، و دانش و حتی حکمت و خرد: با تأکید بر فرایندهای نوین اطلاعات،
- توجه به سطوح اطلاعات، از داده تا خرد: داده-اطلاعات-دانش-خرد و اطلاعات پایه-رقابتی-پیشرو.

در مورد امکان دسته‌بندی این معیارها می‌توان این گونه ابراز داشت که تعدادی از این معیارها چشم‌اندازها و گفتمان غالب را نشان می‌دهند (چهار مورد اول). تعدادی از آنان بر کاربردها و بازار و کارآمدسازی تأکید دارند (سه مورد دوم). مورد بعدی بیانگر اهمیت فناوری و نوآوری‌های تکنولوژیکی است. دو مورد بعدی تناظرها را نشان می‌دهند. پنج مورد بعدی سه‌گانه‌ها و پنج‌گانه‌هایی هستند که تا حدودی با برخی دیگر از موارد بالا و پایین همپوشانی دارند و درعین حال بیانگر توجه به تناظر و جامعیت هستند. موارد انتهایی بر مدیریت، فرایند، و سطوح تأکید دارند. بنابراین به‌طورکلی مهمترین معیارها در کلی‌ترین حالت عبارتند از:

- ✓ چشم‌اندازها و گفتمان غالب و فهم جایگاه اطلاعات.
- ✓ اولویت‌بندی و محدودیت.
- ✓ تناظر و جامعیت.
- ✓ کاربردها و بازار و کارآمدسازی.
- ✓ فناوری‌ها و نوآوری‌های تکنولوژیکی.

✓ تمرکز بر مدیریت اطلاعات و فرایندها و سطوح آن.

با توجه به اهمیت شاخص نخست، یعنی فهم گفتمان غالب و روح زمانه، در جهت‌دهی به دیگر معیارها و شاخص‌ها، به شناسایی و تحلیل شبکه واژگانی، کلیدواژه‌ها، و اصطلاحاتی که بیانگر و قطب‌نمای حرکت به سوی این سامانه هستند، در ادامه توجه شده است.

۴. شبکه واژگانی، کلیدواژه‌ها، کلمات و عبارات پربسامد و رمزهای تحول

در یک رویارویی روشمند و نظام‌مند و در قالب یک طرح پژوهشی وسیع می‌توان این سؤالات را در میان دغدغه‌مندان جامعه دانشگاهی به اشتراک و بحث گذاشت و توسعه داد. به راستی در دنیای امروز، چه کلیدواژه‌ها، کلمات، و عباراتی بیانگر مسائل مورد نظر ما هستند؟ کدام یک از این اصطلاحات بیشتر برای شما تداعی می‌شوند؟ کدام یک وزن بیشتری دارند؟ و در ترسیم شبکه واژگانی مربوط به اولویت‌های دنیای امروز و در پیوند با آکادمی، جای هر یک از این کلمات و عبارات کجاست و کدام یک برجسته‌ترند؟ در ادامه به صورت نمونه و سردستی به تعدادی از مهمترین کلمات و عبارات در دو بخش عمومی و تخصصی توجه شده است:

۴-۱. کلمات و اصطلاحات عمومی

زندگی	تفکر	آینده‌پژوهی
انسان	سلامت	آموزش
اجتماع	بهداشت	پژوهش
انگیزه	سازمان	روزآمدی
شادی	ارتباط	کاربردی
عشق	کار	پول‌سازی
اخلاق	کارآفرینی	حرفه‌ای شدن
خودشناسی	اشتغال‌زایی	مسئله‌شناسی
گفتمان	فناوری	اولویت‌بندی
جامعه	فناوری اطلاعات	قدرت
مسئولیت اجتماعی	هوش مصنوعی	مدیریت
دانش	علم	عقلانیت
دانش بنیانی	تخصص	یادگیری
اطلاعات	بین‌المللی شدن	توسعه

وقت‌شناسی

محیط زیست

جمع‌آوری این کلمات و اصطلاحات برگرفته از گفت‌وگوی پیوسته با اندیشمندان، استادان، و دغدغه‌مندان دانشگاهی در یک دوره زمانی بلند مدت و طولانی است، که در فضاهای مختلف امکان نشستن در کنار آنان و گفت‌وگو با آنان فراهم شده است. یادآوری این موضوع البته به این معنا نیست که هر فرد نتواند با کمی تأمل به بسیاری از این کلمات و عبارات اشاره کند.

۴-۲. کلمات و اصطلاحات تخصصی

اطلاعات	سطوح اطلاعات	فناوری اطلاعات
دانش	محمل‌های	جست‌وجوی
داده	اطلاعاتی	اطلاعات
مطالعه	نظام یا سامانه	سازمان‌دهی
سواد	سامانه‌های	اطلاعات
رسانه	(نظام‌های) اطلاعاتی	اقتصاد اطلاعات
علم	مدیریت اطلاعات	سواد اطلاعاتی
خرد و حکمت	مدیریت اطلاعات	کتابخانه الکترونیکی
مدیریت	تخصصی	منابع اطلاعاتی
اطلاعات فردی	مدیریت دانش	خدمات اطلاعاتی
اطلاعات سازمانی	فرایند دانش	نمایه‌سازی
اطلاعات اجتماعی	سطوح دانش	چکیده‌نویسی
فرایند اطلاعات	فناوری دانش	

بدیهی است هیچ‌گونه ادعایی نسبت به کامل بودن این کلمات و عبارات وجود ندارد. برای توسعه این کلمات و عبارت به ترکیبات اطلاعات در مقاله «نظریه‌ی ترکیبات اطلاعات» (حیدری، ۱۴۰۱) مراجعه شود. همان‌طور که بیان شد رویارویی روشمند و نظام‌مند با مسئله این پژوهش در قالب توسعه شبکه‌ی واژگانی فوق و بحث در چند و چون آن، قادر است به چگونگی و چینه‌ی تمامی دروس عمومی و پایه و حتی تخصصی جهت دهد.

دروس عمومی

سؤال این است که، در دنیای کنونی (جامعه‌ی اطلاعاتی و دانشی) و برای یک فرد و انسان امروزی چه دانش‌ها و مهارت‌هایی از همه مهمتر هستند؟

- ✓ شناخت انسان و اجتماع
- ✓ شناخت طبیعت و محیط زیست
- ✓ شناخت دین
- ✓ شناخت علم
- ✓ شناخت بدن و تربیت بدنی
- ✓ خودشناسی و توسعه فردی و شناخت ارزش‌های فردی و هدف‌گذاری (مدیریت بر خود)
- ✓ چگونگی گذراندن زمان و وقت و استفاده از فرصت‌ها حتی به قصد لذت (مدیریت زمان)
- ✓ تعداد محدود و معدودی از مهمترین انواع سواد:
- ✓ سواد و مهارت‌های زندگی (آموزش سبک زندگی)
- ✓ سواد سلامت و خوردن
- ✓ سواد ارتباطی و تعامل و همکاری - سواد مذاکره و مباحثه - دوست‌یابی و نگهداری دوستان
- ✓ سواد مالی و پول‌سازی

ضمن یادآوری و تأکید بر اولویت کم بودن تعداد مواد و موضوعات آموزشی و درسی، این فهرست همچنان قابل قبض و بسط و توسعه است، و همچنان می‌توان آن را به صورت روشمند و نظام‌مند و میدانی به بحث و بررسی و سنجش بیشتر و دقیق‌تر گذاشت.

در مورد دروس عمومی، چنان‌چه به آخر هر یک از آن‌ها، کلمه «اسلامی» اضافه شود، ممکن است مشکل تصویب نهایی آن در وزارت خانه برطرف گردد. برای نمونه: انسان و اجتماع در اسلام، شناخت طبیعت در اسلام، سبک زندگی اسلامی، سواد سلامت در جامعه اسلامی، ارتباط و تعامل در اسلام، آداب سخن گفتن، خوردن و خوابیدن در فرهنگ اسلامی، سواد مالی در جامعه اسلامی، و مانند آن.

جالب این که قبل از توجه به تعداد ضروری واحدها برای دروس عمومی، در اینجا دقیقاً یازده درس و به تعداد ۲۲ واحد مورد نیاز برای آن در نظر گرفته شده است.

با توجه به این که اصطلاحات فوق از امور مهم دنیای امروز به حساب می‌آیند و همان‌طور که در بخش دروس الزامی و اختیاری، دروس مربوط به امور، بخش عمده‌ای از این دروس را شامل می‌شوند، اصطلاحات و مفاهیم موجود در دروس عمومی به صورت ترکیبی و با واو عطف، در بخش

دروس تخصصی الزامی یا اختیاری قابل توسعه و ارائه هستند. تعدادی از این موارد و البته شاید ناآگاهانه و بدون توجه به این رویکرد روشمند و نظام‌مند، اکنون در میان دروس فعلی وجود دارند. برای مثال انسان و اطلاعات در درس «تعامل انسان و اطلاعات»، اطلاعات و اجتماع در درس «اطلاعات و جامعه» یا «اطلاعات اجتماعی»، همین‌طور اطلاعات و سازمان در درس «جریان اطلاعات در سازمان» و مانند آن.

دروس پایه

براساس برنامه‌های موجود بیست‌وپنج واحد درسی برای این بخش در نظر گرفته شده است. در اینجا پرسش این است که شایستگی‌های کانونی عمومی برای دانشجویان علم اطلاعات و دانش‌شناسی کدامند؟ این مسئله یکی از مهمترین دغدغه‌ها و محورهای پژوهشی در تعدادی از مقالات و به‌طور خاص یکی از پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد مورد راهنمایی نگارنده (پایان نامه کارشناسی ارشد دکتر گرابی، برگزیده جشنواره‌ی فارابی) بوده است.

آشنایی با برنامه‌ی آموزشی دوره کارشناسی (هفت ترم در دانشگاه: چه باید کرد؟)

مقدمات، مبانی، فلسفه، و نظریه‌های اطلاعات و دانش

اصول پژوهش و نگارش علمی ۱ و ۲

زبان انگلیسی عمومی ۱ و ۲

مهارت‌های پایه رایانه و فناوری ۱ و ۲

آمار در علم اطلاعات و دانش‌شناسی

اخلاق حرفه‌ای در علم اطلاعات و دانش‌شناسی

دانش و مهارت‌های ارتباطی (سواد ارتباطی)

شناخت مشاغل و مهارت‌های شغلی در حوزه اطلاعات و دانش

تفکر انتقادی و حل مسئله

مدیریت و مهارت‌های مدیریتی

دانش‌شناسی هوشمندی (مختصات و ویژگی‌های برخورد هوشمندانه چیست؟)

ضمن تأکید بر معیار اولویت‌بندی و تا حد امکان محدود کردن تعداد دروس، این فهرست همچنان باز و قابل قبض و بسط است. سه موردی که سلسله‌ای شده و شماره خورده‌اند، به نظر پراهمیت‌تر می‌آیند. انتخاب تعداد محدود و سلسله‌ای کردن دروس، امکان رسیدن به عمق و تخصص را تقویت می‌کند.

با توجه به این که این بخش از دروس طبق برنامه تا ۲۵ واحد جا دارد، دروس زبان عمومی (۱) و مهارت‌های پایه فناوری (۱) را می‌توان در بخش دروس عمومی هم ارائه کرد.

دروس تخصصی الزامی (اجباری) - به علاوه دروس فناورانه

بیش از نیمی از کل دروس برنامه آموزشی رشته، ذیل سرتیتر دروس تخصصی الزامی (اجباری) قرار می‌گیرند. بخش عمده‌ای از این دروس در چارچوب سنتی کتابخانه و مدیریت اطلاعات و فرایندهای مربوط به آن‌ها قرار دارند، که به مرور فرایندهای جدیدتر مدیریت اطلاعات هم به دروس سنتی و فرایند سنتی کتابخانه افزوده شده‌اند. فهرستی گزینشی و دسته‌بندی شده از مهمترین دروس تخصصی را در ادامه مشاهده می‌کنید :

مدیریت اطلاعات: گردآوری اطلاعات، سازمان‌دهی اطلاعات، اشاعه اطلاعات (سطح ۲)

نیازهای و رفتارهای اطلاعاتی

جست‌وجوی اطلاعات (حرفه‌ای)

تولید اطلاعات

سازمان‌دهی اطلاعات (الکترونیکی)

نمایه‌سازی و چکیده‌نویسی

بازاریابی اطلاعات

ارزیابی اطلاعات (سطح ۳)

مدیریت محمل‌های اطلاعاتی مثل: کتاب، پایان‌نامه، نشریات ادواری، و محمل‌های نوین

اطلاعاتی

منابع، محصولات و خدمات اطلاعاتی

کتابخانه‌های دیجیتال

اقتصاد اطلاعات

مدیریت دانش (کاربردی)

علم‌سنجی (مطالعات و مدیریت علم)

مدیریت آرشیو

زبان تخصصی انگلیسی ۱ و ۲ و ۳

مفهوم و مهارت‌های مطالعه

سواد اطلاعاتی

سواد رسانه‌ای

نظام‌های اطلاعاتی

نظام‌های اطلاعاتی (تخصصی) مثل مدیریت

مدیریت کتابخانه‌ها و مراکز اطلاعاتی

علم، مدیریت

، و فناوری داده

در دروس سنتی مجموعه دروس مربوط به «فرایند کار در کتابخانه» و خود «کتابخانه و انواع آن» بخش عمده‌ای از برنامه‌های آموزشی و درسی را به خود اختصاص داده‌اند که در این جا نیامده‌اند. در مورد دروس مربوط به انواع کتابخانه‌ها، سنتی و منسوخ و زیاد بودن این نوع از دروس در برنامه‌های قبلی و فعلی نمایان است. روشن است که برنامه‌های آموزشی و دروس رشته در گذشته، به صورت کامل حول گفتمان کتابخانه شکل گرفته بودند (حیدری، ۱۳۹۰). در حال حاضر به صورت ترکیبی گفتمان اطلاعات مجموعه دروس مربوط به «مدیریت اطلاعات و فرایند آن» هم به ضرورت، وارد این دروس شده است. مشکلی اساسی که در این باره وجود دارد این است که نسبت به این گفتمان‌ها و پیامدهای هر یک از آن‌ها، آگاهی وجود ندارد یا آگاهی ضعیف و ناقصی وجود دارد که در کم تأثیری و بی فایده شدن دروس نقش اساسی و جدی ایفا می‌کند. مثلاً در دروس قبلی و فعلی «فرایند سنتی امور در کتابخانه»، مانند مجموعه دروس مجموعه‌سازی، مجموعه دروس سازمان‌دهی، و مجموعه دروس مرجع حضور دارند. این دروس هم مانند گفتمان محوری خود (یعنی کتابخانه) کهنه و تاحدودی منسوخ شده‌اند. حتی در رویکرد ترکیبی و با ورود گفتمان «مدیریت اطلاعات» هم، باز این دروس مهمترین دروس برنامه‌های قبلی و گاهی فعلی در فرایند مدیریت اطلاعات محسوب می‌شوند.

فراتر از سه محور سنتی فوق چنانچه بخواهیم کلیت فرایند مدیریت اطلاعات را در شکل جدید بازاندیشی و بازنگری کنیم، قبل از هر چیز قبض و بسط و توسعه این فرایند در سطوح مختلف قابل بحث و بررسی است، که در بخش «مدیریت اطلاعات و فرایند و سطوح آن»، چهار سطح برای آن تعریف شده است. در اخص‌ترین حالت (سطح ۱)، از آنجا که مرکز و مدار فرایند اطلاعات در شکل نوین آن «جست‌وجوی اطلاعات» است، می‌توان بر همین مفهوم تمرکز و به آن اکتفا کرد. یا برای نمونه سواد اطلاعاتی را جایگزینی برای آموزش فرایند اطلاعات در نظر گرفت. در سطح اخص (سطح ۲)، هم می‌توان به سه محور عمده در فرایند اطلاعات در شکل اصلاح شده آن اشاره کرد. برای نمونه جست‌وجو و گردآوری اطلاعات جایگزین مجموعه‌سازی سنتی می‌شود. یا در ارائه درس سازمان‌دهی اطلاعات، بر بسترها، فضاها و قالب‌های جدید اطلاعاتی تأکید و تمرکز شود.

دروس مرجع هم با مفاهیمی مانند مشاوره اطلاعاتی و خدمات و منبع‌شناسی و مدیریت اطلاعات تخصصی قابل بازنگری است. در سطح اعم (سطح ۳) می‌توان این فرایند را به‌طور کلی بازاندیشی و بازنگری کرد و در یک ترتیب و توالی جدید و باز در زیر دروس مربوط به مدیریت اطلاعات و فرایندها و سطوح آن، در نظر گرفت. به ترتیب و برای نمونه، رفتارها و نیازهای اطلاعاتی یا مطالعات کاربران و نیازسنجی، به شناخت نیازها و رفتارهای اطلاعاتی کاربران برای ارائه خدمات دقیق به آن‌ها برمی‌گردد، که از مراحل اولیه در فرایند مدیریت اطلاعات است. دروسی با عنوان «تولید محتوای الکترونیکی» یا «نشر الکترونیکی»، هرچند وجه فناورانه هم دارند، اما در اصل در مفهوم تولید و خلق اطلاعات در مرحله بعدی فرایند اطلاعات ریشه دارند. و همین طور الی آخر.

یک نمونه دیگر از بی‌توجهی به گفتمان جدید آموزشی و کم‌اطلاعی از نسبت بین دروس، درس «مدیریت نشریات ادواری» است که در واقع و به‌صورت ناخودآگاه بیانگر تعدادی از دروس بوده است که می‌توان آن را به‌طور کلی «مدیریت محمل‌های اطلاعاتی» دانست که اکنون بسیار متنوع و متمایز و شایسته توجه هر چه بیشتر شده‌اند، اما این موضوع در شبکه‌واژگانی و گفتمانی سنتی، امکان بروز و ظهور نداشته و به همین خاطر در سطح همین درس متوقف شده و چگونگی قبض و بسط و در واقع فلسفه آن درک نشده است.

نظام‌های اطلاعاتی هم در واقع شکل جدید کتابخانه، به‌ویژه در فضای مجازی هستند. در اهمیت اقتصاد اطلاعات همین بس که در ابتدا این رشته با عنوان اقتصاد کتاب شناخته می‌شد. تعدادی از دروس مانند مبانی آرشیو یا ساختمان داده، ریز مدرک یا مدارک یا بحث کار با داده‌ها آن را نمایندگی می‌کنند. تعدادی از دروس درباره علم، درباره مطالعه، و تعدادی هم مانند سواد اطلاعاتی، در واقع شکل دیگری از فرایند مدیریت اطلاعات هستند. برخی از دروس هم انواع اطلاعات تخصصی را در بر دارند. مثل نظام‌های اطلاعات مدیریت یا مواد و خدمات برای بزرگسالان یا کودکان، خدمات اجتماعی اطلاعات، جریان اطلاعات در سازمان و اطلاعات و توسعه.

توضیحات بیشتر در مورد این دروس در ادامه و در بخش مدیریت اطلاعات و فرایند و سطوح آن، با عنوان «مدیریت به عنوان آغازگر تمامی دروس» ارائه شده است.

دروس فناورانه

ترتیب و توالی و جامعیت دروس فناورانه نیازمند بازاندیشی و بازنگری است. پرسش این است که ارائه دروس پایه، شبکه، نرم‌افزار، و برنامه‌نویسی در چه نظم و ترتیبی معقول و منطقی است؟

رایانه ۱

و ۲ و ۳ و...

فناوری اطلاعات: فناوری ۱ و ۲ و ۳ و...

انواع نرم افزارها: نرم افزارهای استناددهی، کتابخانه‌ای، آرشیو، داده‌کاوی، علم‌سنجی، مدیریت

دانش

زبان برنامه‌نویسی ۱ و ۲ و ۳ و...

شبکه‌های اجتماعی

پایگاه داده

پایگاه‌های اطلاعاتی

طراحی و مدیریت وب‌گاه‌ها

تولید محتوای الکترونیکی (هم کارآفرینانه و هم فناورانه و هم تولید اطلاعات و به‌عنوان بخشی

از فرایند مدیریت اطلاعات)

مدیریت داده‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌های کلان

دیداری‌سازی اطلاعات

پردازش

زبان طبیعی

دروس تخصصی اختیاری- به علاوه دروس کارآفرینانه

به‌طور کلی این دروس در چند بخش نابرابر قابل دسته‌بندی هستند:

دو دسته اصلی دروس، در واقع توسعه ابعاد ارتباطی اطلاعات (یا مدیریت اطلاعات) با علوم و امور مختلف و مدیریت اطلاعات این علوم و امور است که گاهی هم به‌صورت ترکیبی و شامل موضوعاتی است که به‌طور هم‌زمان هم در بین علوم و هم امور مهم حضور دارند و بنابراین به سه دسته هم قابل تبدیل است:

- اطلاعات و علوم مختلف: مدیریت اطلاعات شیمی، مدیریت اطلاعات روان‌شناسی، مدیریت اطلاعات جامعه‌شناسی، و مانند آن.
- اطلاعات و امور مختلف: مدیریت اطلاعات توسعه، مدیریت اطلاعات آب، مدیریت اطلاعات جنگل، و مانند آن.
- اطلاعات و علوم و امور مختلف: مدیریت اطلاعات سلامت، مدیریت اطلاعات تجاری، مدیریت اطلاعات کشاورزی، و مانند آن.

دسته بعدی دروس اختیاری مربوط به سامانه‌های (نظام‌های) اطلاعاتی در علوم و امور مختلف است. اگر نظام‌سازی و ایجاد سامانه‌ها و پایگاه‌های اطلاعاتی را یک قدم جلوتر از دو مورد اصلی بالا بدانیم، گام بعدی ایجاد، توسعه، و ارزیابی سامانه‌های (نظام-های) مختلف اطلاعاتی در علوم و امور مختلف است. طراحی و توسعه انواع «سامانه‌های (نظام‌های) اطلاعاتی کوچک» (قنادی نژاد، و حیدری، ۱۳۹۶) در تک‌تک علوم و امور و مسائل خاص مانند نظام‌های اطلاعات مدیریت یا سامانه اطلاعاتی توسعه.

نوع سوم توسعه دروس اختیاری، توجه به مدیریت اطلاعات و دانش در ابعاد شخصی، سازمانی، ملی، و بین‌المللی است. تمامی ترفندهای مدیریت اطلاعات را می‌توان در این ابعاد و در این بخش اعمال کرد و توسعه داد. این دسته از دروس را هم می‌توان جزء و زیرمجموعه بخش امور به حساب آورد.

دسته آخر دروس اختیاری در پیوند با کار و کارآفرینی قابل شکل‌گیری و توسعه است. به همین دلیل در پیشنهادهای ضرب‌العجل وزارت علوم هم، شاید برای شروع، بر اضافه کردن دروس کارآفرینی به عنوان و به جای دیگر دروس اختیاری، تأکید شده است. این دسته از دروس را هم می‌توان جزء امور به حساب آورد.

دروس کارآفرینانه- مهارتی و اشتغال‌پذیری ۳ تا ۱۵ واحد

کارآموزی و کاربینی در

سازمان‌ها و مراکز

کارآفرینی در علم اطلاعات و دانش‌شناسی

مشاوره اطلاعاتی حرفه‌ای (کسب‌وکار)

جریان اطلاعات و محصولات و خدمات اطلاعاتی و دانشی در سازمان‌ها

اطلاعات و شهر و استان (کرمانشاه)

فنون و مهارت‌ها

و کاربردهای هوش مصنوعی

<https://stim.gom.ac.ir>

تحلیل و قبض و بسط رشته‌ای در نسبت با شاخص‌ها و معیارها: آرام، انقلابی، یا خلاقانه؟ در ادامه تعدادی از شاخص‌ها و معیارها و پیامدهای آن‌ها برای دروس و برنامه درسی نقد و تحلیل شده‌اند.

معیار و شاخص توجه به آینده: در اهمیت و جایگاه اطلاعات

قبل از در نظر گرفتن این سرتیتر به عنوان معیار و شاخص برای دروس، پرسش اساسی در این بخش این است که چرا این رشته مهم است؟ چرا باید بماند؟ یا توسعه پیدا کند؟ آیا باید به همین صورت فعلی باقی بماند یا تغییرات اساسی لازم دارد؟

دنیای کنونی دنیای اطلاعات است. اطلاعات اکنون با تاروپود جهان هستی پیوند یافته و مانند رنگی است که از درون و بیرون به همه چیز پاشیده شده باشد. عالم و آدم اطلاعاتی شده اند. در مقاله نظریه ترکیبات اطلاعات، عمق و گستره رابطه اطلاعات را در ترکیب این کلمه با کلمات دنیای امروز نشان داده ام. در آن مقاله گزاره اصلی این بوده است که «به نظر می رسد هیچ کلمه ای در دنیا وجود ندارد که به اندازه اطلاعات با دیگر کلمات و اصطلاحات ترکیب شده باشد» (حیدری، ۱۴۰۱) و ایجاد پیوند کرده باشد. تمامی تلاش های پژوهشی اینجانب را هم می توان در قالب تلاش برای فهم و بیان همین ترکیب از اطلاعات خلاصه کرد: «جایگاه اطلاعات.»

آینده اطلاعات است. آینده تمام علوم و امور اطلاعات است. آینده فلسفه، فلسفه ی اطلاعات؛ آینده تاریخ، تاریخ اطلاعات؛ و آینده جامعه شناسی، جامعه شناسی اطلاعات است. حتی آینده دین را هم در برخی متون (مانند هراری در انسان خداگونه، ترجمه سال ۱۳۹۷) کیش اطلاعات یا داده باوری، ترجمه کرده اند. هشتاد درصد کل مشاغل در دنیا، در حال تحول به سوی مشاغل اطلاعاتی و دانشی است. بدون شک آینده از آن اطلاعات است، اما پرسش اساسی این است که آیا برنامه های آموزشی حوزه اطلاعات در چارچوب این گفتمان نوین و آینده نگر، طراحی و تدوین شده اند؟ و آیا ما واقعاً کارشناس اطلاعات هستیم؟ طرفه این که در گفتمان غالب اطلاعاتی و آینده اطلاعاتی عالم و آدم، گروهی از ما در علم اطلاعات و دانش شناسی موجود، در حال دست و پا زدن و برآینم که اندک جایی برای خود دست و پا کنیم! این درحالی است که آینده علم، مدیریت و فناوری، اطلاعات است و جالب این که سه بُعد اطلاعات و نام وسیع رشته ما هم «علم، مدیریت، و فناوری اطلاعات» است، هر چند در عمل گاهی بر یکی از وجوه آن تأکید شود و آن را «علم اطلاعات» یا «مدیریت اطلاعات»، و حتی «فناوری اطلاعات» بخوانند. فناوری اطلاعات خود بخش عمده ای از کل مناسبات دنیای امروز در تمامی علوم و امور را تسخیر کرده است و فراتر از آن، فناوری امروز، فناوری اطلاعات شده است. توصیفات فوق بیانگر محوری بودن مسئله اطلاعات برای آینده است و هیچ شکی در این باره باقی نمی گذارد. از این رو، روشن است که مطالعه و برنامه ریزی در مورد ابعاد مختلف اطلاعات و از جمله آموزش و برنامه های آموزشی آن، در دنیای امروز و آینده، محور و مدار اولویت هاست.

توجه به نوگرایی و تغییر و یادگیری (و دانش و مهارت‌های نوین)

علی‌رغم تأکیدی که در جلسات مجازی (جلسه مجازی شورای نخبگانی وزارت علوم، روز چهارشنبه ۱۴۰۳/۳/۲۳) بر حفظ دروس قدیمی و تبعیت از چارچوب و برنامه‌های آموزشی قبلی شد، باید یادآوری شود که هرچند به هم ریختن تمام چارچوب‌های قبلی و تغییر رادیکال و انقلابی به سبک سنتی، مورد اقبال اندیشمندان علوم اجتماعی و انسانی نیست، اما معیار و ملاک اصلی ما تبعیت از منطق و عقلانیت جدید و به‌روز است و به گفته فلاسفه، نحن ابناء الدلیل. بنابراین، اگر یک منطق قوی پشت تحولات باشد، لازم است از این تغییرات هر چند رادیکال حمایت و با آن به‌گونه‌ای خلاقانه همراهی کرد و طرحی نو در انداخت. در تعریف‌های نوین از سواد، توانایی ایجاد تغییر ملاک باسوادی شده است، و فردی باسواد تلقی می‌شود که بتواند آموخته‌های قبلی خود را دور بریزد، آموخته‌های جدیدی را جایگزین آن کند، و در آموخته‌های خود تغییر ایجاد کند. بر این اساس ضمن شناخت مبانی و معیارها و پی‌ریزی تحولات براساس آن‌ها، هرگونه خلاقیت و نوآوری بیانگر دور ریختن دانسته‌های منسوخ و ناکارآمد و دستیابی به دانش‌ها و مهارت‌های چاره‌ساز نوین است.

توجه به انسجام و گفت‌وگو

به نظر می‌رسد برنامه‌های آموزشی فعلی در علم اطلاعات و دانش‌شناسی از انسجام لازم برخوردار نیستند. بی‌نظمی، تناقضات، و تنوع زیادی در هر بخش از آن قابل مشاهده است و گفت‌وگو و معیارهای شکل‌گیری آن به‌روشنی تدوین نشده است. لازم است ضمن روشن کردن اصول و مبانی آن در دنیای جدید، تحولات آینده به‌گونه‌ای روشمند و نظام‌مند، بررسی و پیگیری شود. در دنیای امروز گفت‌وگو غالب جهانی به‌سوی اطلاعات و دانش و دانش‌محوری و دانش بنیانی است و اطلاعات و دانش محور تمام مناسبات امروز و آینده است. به همین دلیل نام این جوامع هم جوامع اطلاعاتی و دانشی است. برنامه‌های آموزشی هم ناگزیر در ذیل همین چارچوب و گفت‌وگو و فضای فراگیر اطلاعاتی و دانشی قرار می‌گیرند. پیوند ظریف و شگفتی بین اطلاعات و اجزاء و ابعاد آن مانند آموزش اطلاعات، در پایین‌ترین سطح، با دانش و خرد و حکمت و گفت‌وگو و فلسفه دانش بنیانی در بالاترین سطوح وجود دارد. توجه به این خطوط و رعایت تناظرها مسیر هر نوع برنامه‌ریزی برای آموزش را نمایان می‌کند. از سوی دیگر در در آموزش عالی و دانشگاه‌ها، نسل پنجم دانشگاه را باید دانشگاه دانش بنیان نام نهاد. برنامه‌های آموزشی هم باید با گفت‌وگو این نسل هماهنگ و به‌روز شوند.

توجه به تمرکز و اولویت‌بندی

در برنامه‌ها باید اصل بر تمرکز و عمق باشد. پراکندگی و پراکنده‌کاری آفت امروز بسیاری از فعالیت‌های آموزشی ماست. برای نمونه هر استاد باید حداکثر دو موضوع را آموزش دهد، یا هر دانشجو در دروس تخصصی، حداکثر بر سه موضوع تمرکز کند. دروس پایه نباید بیش از ده مورد باشند. در تمام سطوح دیگر هم تعداد دروس هرچه کمتر و ادامه‌دار باشند، و در قالب سطوح ۱ و ۲ و ۳، عمیق و تخصصی شوند، بهتر است. مثل زبان تخصصی ۱ و ۲ و ۳.

هر کدام از معیارها پیام‌هایی برای بازنگری و بازنویسی دروس دارد. برای نمونه با توجه به معیار و اصل تمرکز و توجه به اولویت‌ها، پیشنهاد می‌شود در بازنویسی برنامه دوره کارشناسی، برای فرایند مدیریت اطلاعات سطح اخص آن انتخاب و تأیید شود.

توجه به گرایش‌های کارشناسی ارشد و دکتری

کدام یک از موضوعات برنامه فعلی تبدیل به گرایش کارشناسی ارشد شده‌اند؟ یکی از شاخص‌های حضور یک درس در بین دروس تخصصی اعم از اختیاری و اجباری، حضور آن در برنامه کارشناسی ارشد و امکان توسعه آن است. طوری که به نظر می‌رسد اگر ارزش حضور و توسعه در آن برنامه را داشته باشد، می‌تواند در این برنامه هم حضور داشته باشد. در این صورت، چرا برای نمونه، جست‌وجوی اطلاعات حرفه‌ای یا سواد اطلاعاتی کاربردی، گرایش کارشناسی ارشد نیستند؟ یا سلسله‌ای از دروس ۱ و ۲ و ۳ و ... را تشکیل نمی‌دهند؟

توجه به تناظر با پژوهش‌ها

آیا به تناظر آموزش و پژوهش توجه شده است؟ توجه به ۲۲ اولویت پژوهشی در پایان‌نامه قنادی نژاد و کتاب و مقالات دیگر، و این سؤال که مهمترین ابعاد مسئولیت اجتماعی رشته در کتاب اولویت‌های پژوهشی (در بُعد پژوهشی) کدامند؟ ۱- کمک به توسعه علم، ۲- کمک به مطالعات میان‌رشته‌ای ۳- ایجاد و توسعه نظام‌های اطلاعاتی کوچک ۴- توسعه مطالعه. آیا این موارد در برنامه آموزشی دیده شده‌اند؟

توجه به سه بُعد نظر، عمل، فناوری (یا دانش، مهارت، و فناوری)

بحث درباره این سه‌گانه می‌تواند در موارد مختلف راهگشا و رهایی‌بخش باشد. در جاهای مختلف و حتی با کلمات مترادف، ردپای این سه‌گانه قابل پیگیری است. این سه‌گانه می‌تواند معیاری برای نام دروس باشد. معیاری برای جامعیت، مانعیت، توجه به کار و کاربرد، و بالاخره توجه به فناوری و نوآوری است. علاوه بر علم (نظر) و فناوری، یکی از مهمترین موضوعات در برنامه‌ریزی درسی

توجه به مدیریت اطلاعات و فرایندها و سطوح آن است. به همین دلیل در ادامه به این رویکرد به‌عنوان یک نمونه از میان سه منظر فوق، بیشتر دقت و موشکافی شده است.

توجه به مدیریت

مدیریت به‌عنوان آغازگر تمامی دروس :

مدیریت اطلاعات- برای نمونه به بسط فرایند اطلاعات مراجعه شود.

مدیریت محمل‌های اطلاعاتی: سنتی، نوین

مدیریت کتابخانه‌ها و مراکز اطلاعاتی

مدیریت کتابخانه‌های دیجیتال

مدیریت سامانه‌های (نظام‌های) اطلاعاتی

مدیریت دانش

مدیریت داده

مدیریت و ارزیابی علم (علم‌سنجی)

مدیریت مطالعه (مفهوم و مهارت‌های مطالعه)

مدیریت آرشیو

توجه به فرایندها و سطوح آن

فرایند مدیریت اطلاعات و قبض و بسط آن در چهار سطح:

در خاص‌ترین سطح: جست‌وجوی اطلاعات یا هر مهارت کلیدی دیگر مثل سواد اطلاعاتی.

در سطح اخص: جست‌وجوی اطلاعات، سازمان‌دهی اطلاعات، اشاعه اطلاعات.

در سطح اعم: نیازها و رفتارهای اطلاعاتی، جست‌جوی اطلاعات، گردآوری اطلاعات،

سازمان‌دهی اطلاعات، نمایه‌سازی و چکیده‌نویسی، بازاریابی اطلاعات، ارزیابی اطلاعات.

در وسیع‌ترین سطح: برای توسعه این فرایند به مقاله «نظریه ترکیبات اطلاعات» مراجعه شود

(حیدری، ۱۴۰۱).

✓ در این رویکرد، مدیریت، آغازگر و بیانگر تمام دروس است.

✓ فرایند و مؤلفه‌های سواد اطلاعاتی با فرایند مدیریت اطلاعات هم‌پوشانی دارد و حتی

می‌تواند در اخص‌ترین سطح در توجه به فرایند اطلاعات، به‌عنوان نمایندگی کل این

فرایند ارائه شود.

✓ سواد رسانه در واقع شکل نوین مدیریت محمل‌های اطلاعاتی است. مدیریت محمل‌های اطلاعاتی سنتی و نوین به صورت ادامه‌دار: ۱ و ۲ و ۳ و ۴ قابل توسعه است.

✓ کتابخانه و انواع آن به سنت پیوسته، و در یک درس مدیریت کتابخانه‌ها و مراکز اطلاعاتی قابل جمع و تلخیص است. شکل جدید بحث از کتابخانه‌ها در درس «مدیریت کتابخانه‌های دیجیتال» تبلور پیدا کرده و در گرایش کارشناسی ارشد هم قابل توسعه شده است.

✓ فرایند تک‌تک مفاهیم کلیدی و به‌ویژه اطلاعات، در دروس پیشنهادی نمایان است. رگه داده-اطلاعات-دانش-خرد، در بین دروس حضور دارد.

✓ در مدیریت اطلاعات علاوه بر توجه به فرایند و ضرورت انتخاب سطح، دو محور دیگر از اطلاعات و مدیریت اطلاعات یعنی مدیریت اطلاعات تخصصی و مدیریت بر سامانه‌های اطلاعاتی را نباید فراموش کرد: به عبارتی سه محور اصلی به قرار زیرند:

۱. ابعاد مدیریت اطلاعات در فرایند و سطوح مدیریت اطلاعات،
۲. توجه و تمرکز بر یک محور از مدیریت اطلاعات تخصصی مانند مدیریت اطلاعات سلامت،

۳. تأکید بر سامانه‌های اطلاعاتی و مدیریت آن‌ها.

○ نظام و مدیریت هم‌پوشانی ظرفیتی دارند. چنان‌که دروس قبلی با عنوان «نظام‌های اطلاعاتی» و «نظام‌های اطلاعات مدیریت» را می‌توان در رویکرد مدیریتی فوق، به این صورت بازنویسی کرد: مدیریت سامانه‌های اطلاعاتی و مدیریت سامانه‌های اطلاعات مدیریت.

○ محمل‌ها خود یک نوع نظام یا سامانه اطلاعاتی هستند. کتابخانه هم اعم از سنتی و نوین، یک نظام یا سامانه اطلاعاتی است.

○ ترکیب دونه‌دسته‌بندی: ۱. مدیریت - فرایندها - نظام‌ها ۲. اطلاعات - محمل‌ها - نظام‌ها، در دل رویکرد انواع مدیریت نمایان شده است.

مدیریت-----فرایند-----نظام‌ها-----نظام‌ها-----

-----محمل‌ها-----اطلاعات

در ساختار قبلی و سنتی این دو نوع دسته‌بندی از هم متمایزند و دروسی به‌صورت آگاهانه یا حتی ناخودآگاه، برای هر یک، وجود دارند و تعدادی از دروس هم فراموش شده‌اند. توجه به این دو دسته‌بندی، نکات مهمی را در این باره نمایان می‌سازد. برای مثال درس «مدیریت نشریات ادواری» در واقع بیانگر توجه به محمل‌های اطلاعاتی بوده است، اما بدی ناآگاه بودن به کلیت مسئله، فراموشی محمل‌های کلیدی دیگر مانند کتاب، پایان‌نامه، و فراتر از آن محمل‌های نوین اطلاعاتی و رسانه‌ای بوده است که هر چند تعدادی از آن‌ها در دروس بعدی نمایان شده، ولی چون نوع رویارویی روشمند و نظام‌مند نبوده است، امکان کارآمدی و خلاقیت، کم شده است.

توجه به کاربردی بودن و کارآمدسازی

پرسش اصلی در اینجا این است که دروس مختلف و مخصوصاً سنتی چگونه کارآمد می‌شوند؟ یا دروس جدید چگونه کارآمدتر می‌شوند؟ رسیدن به مهارت و فناوری و نوآوری چگونه میسر می‌شود؟ توسعه کارآمدی و کارآمدسازی دروس مستلزم توجه به موارد زیر است:

- توجه به مشاغل واقعی و آینده مشاغل، و جایگزینی شکل جدید کار به جای شیوه‌های سنتی و منسوخ،
- توجه به گفتمان دانش بنیانی هم در جامعه جهانی و هم در دانشگاه،
- توجه به گفتمان مسئولیت اجتماعی و ابعاد محلی دروس مانند اطلاعات و کرمانشاه،
- فهم نسبت و ربط دروس و جامعیت بخشیدن به ابعاد آن‌ها،
- توجه به عمق و مسئله اصلی و مسئله‌شناسی و اولویت‌بندی،
- توجه به سه بُعد نظر، عمل، فناوری (یا دانش، مهارت، و فناوری)،
- جهت‌گیری به‌سوی کاربرد،
- جهت‌گیری به‌سوی فناوری،
- جهت‌گیری به‌سوی تکامل تا دانش‌شناسی،

برخی دروس به کلی منسوخ و یا کهنه شده‌اند و لازم است کنار گذاشته شوند. سطوح تعدادی از دروس باید به‌سوی کاربرد و فناوری جهت داده شوند. لازم است از آشنایی به‌سوی دستیابی به فنون و ایجاد مهارت‌های جدید و تخصصی موردنیاز در بسترهای خاص جهت‌گیری شود. به نمونه‌هایی از چگونگی حرکت از دروس سنتی به‌سوی موضوعات و مسائل جدید در ادامه توجه شده است:

انواع کتابخانه — مدیریت کتابخانه‌ها و مراکز اطلاعاتی --- کتابخانه‌های مجازی (دیجیتال) --- سامانه‌های اطلاعات --- سامانه‌های اطلاعات تخصصی و کوچک مجموعه‌سازی - فرایند گردآوری داده برای یک پژوهش یا موضوع خاص، گردآوری اطلاعات در یک موضوع و حتی مسئله خاص

سازمان‌دهی ----- سازمان‌دهی اطلاعات الکترونیکی، فضای مجازی، شبکه‌های اجتماعی، و قالب‌ها و محمل‌های نوین اطلاعاتی

مرجع‌شناسی تخصصی ----- جست‌وجو و مدیریت اطلاعات تخصصی - به مقاله آموزش و ارائه و اسلایدهای آن مراجعه شود.

✓ در رویکرد ترکیبی درس «منابع و خدمات اطلاعاتی» یا «محصولات و خدمات اطلاعاتی» جایگزینی برای دروس مجموعه‌سازی و مرجع‌شناسی است.

اصول و خدمات مرجع ----- مشاوره اطلاعاتی

مواد و خدمات کتابخانه برای کودکان و نوجوانان --- مدیریت اطلاعات کودکان - منابع و خدمات اطلاعاتی برای کودکان و نوجوانان - رفتارها و نیازهای اطلاعاتی کودکان و نوجوانان - نظام‌های اطلاعاتی کودکان و نوجوانان - مدیریت نظام‌های اطلاعاتی کودکان و نوجوانان

مواد و خدمات کتابخانه برای نوسودان و بزرگسالان --- مدیریت اطلاعات نوسودان و بزرگسالان - منابع و خدمات اطلاعاتی برای نوسودان و بزرگسالان - رفتارها و نیازهای اطلاعاتی نوسودان و بزرگسالان - نظام‌های اطلاعاتی نوسودان و بزرگسالان - مدیریت نظام‌های اطلاعاتی نوسودان و بزرگسالان

نظام‌های اطلاعاتی ----- سامانه‌های اطلاعاتی تخصصی و کوچک مانند مدیریت، سلامت، تجارت، و مانند آن

آشنایی با مدیریت دانش ----- فنون و کاربردهای مدیریت دانش در ابعاد شخصی، سازمانی، رشته‌ای، ملی، و بین‌المللی

آشنایی با علم‌سنجی ----- فنون و مهارت‌های (استفاده و کاربردهای) علم‌سنجی در ابعاد مختلف و به طور خاص در دانشگاه‌ها

چاپ و نشر، نشر الکترونیکی، سیستم‌های چند رسانه‌ای --- متخصص تولید کتاب، متخصص و مشاور در مقاله‌نویسی، پایان‌نامه، طرح پژوهشی، و یا تولید محتوای الکترونیکی

آشنایی با مطبوعات و رسانه‌ها --- مهارت در کار با یک رسانه‌ی خاص - سواد رسانه‌ها یا دانش‌شناسی رسانه

آشنایی با شبکه‌های اجتماعی----- کار تخصصی با یک رسانه خاص و مانند آن
 ساختمان داده یا علم داده---- فنون و مهارت‌های داده‌کاوی، داده‌های کاربردی، مدیریت
 داده، خودکارسازی، و هوشمندسازی داده‌ها
 اصول نگارش---- ویراستاری کتاب، مقاله، پایان‌نامه، طرح پژوهشی و دیگر انتشارات،
 مهارت در پاراگراف‌نویسی، مهارت در انجام مکاتبات اداری.

۴. جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هرگونه تصمیم‌گیری درباره برنامه درسی علم اطلاعات و دانش‌شناسی، یک بحث پیچیده، تخصصی و نیازمند رویارویی روشمند و نظام‌مند است. بنابراین لازم است به‌صورت کامل از دانش و تخصص کسانی که در حوزه‌های مبانی و آموزش کار تخصصی کرده‌اند، استفاده شود. برای نمونه پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری احسان‌گرایی (گرایی، ۱۳۹۰؛ ۱۳۹۵) دانشیار دانشگاه خرم‌آباد و مقالات دیگر او و حیدری (گرایی و حیدری، ۱۳۹۴؛ ۱۳۹۷) در مورد آموزش و آینده آن بوده‌اند.

در این نوشتار نمونه‌هایی از چگونگی تحلیل و قبض و بسط روشمند و نظام‌مند ابعاد مختلف برنامه درسی دوره کارشناسی علم اطلاعات و دانش‌شناسی ارائه شد. توسعه و ادامه این تلاش‌ها و کار عمیق در تک تک بخش‌های این نوشتار مستلزم مطالعه و پژوهش بیشتر است. برای نمونه در مورد دروس مختلف و توسعه بحث در بخش‌های مختلف برنامه‌های آموزشی و درسی موجود دوره کارشناسی علم اطلاعات و دانش‌شناسی، نکات زیادی برای ارائه وجود دارد که در قالب یک مقاله محدود نمی‌گنجد و نیازمند محمل‌ها و فضاها خاص دیگری است. این فضا می‌تواند با ارائه یک طرح بزرگ پژوهشی ایجاد و مهیا شود. همچنین در مورد معیارها و شاخص‌ها و پیامدهای هر یک از آن‌ها، نکته‌های زیادی وجود دارد که به دلیل محدودیت تعداد صفحات در این نوشته نیامده است. برای نمونه اضافه کردن دروس مربوط به آشنایی با برنامه‌های آموزشی و آینده‌پژوهی به دروس پایه و تخصصی را می‌توان با استناد به معیار ابعاد پنج‌گانه رشته (هویت، آموزش، پژوهش، کارآفرینی، آینده) توجیه و تبیین کرد. یا تناظر و همپوشانی بین نقدهای اولیه مربوط به دروس، معیارها و شاخص‌ها، و محورهای اصلی تحلیل نهایی، و کارآمدسازی به‌عنوان یک چالش ذهنی برای پژوهشگران، همچنان نیازمند توجه و تأمل بیشتر است.

همان‌طور که بیان شد در این مقاله تنها نمونه‌هایی از ابعاد بزرگ‌تر برنامه درسی و مسائل و موضوعات مختلف آن بحث و بررسی شده است. ادامه این پژوهش به‌ویژه در قالب یک طرح

پژوهشی بزرگتر، حتی می‌تواند به‌عنوان الگویی برای دیگر رشته‌های علوم اجتماعی و انسانی هم مورد توجه قرار گیرد. یک پژوهش گسترده در این مورد حداقل در پنج محور زیر قابل توسعه است:

۱. تکمیل و توسعه بیان مسئله و ابعاد آن با عنوان: تبیین مسئله برنامه درسی در علم اطلاعات و دانش‌شناسی یا تحلیل دانش‌شناختی مسئله برنامه درسی در علم اطلاعات و دانش‌شناسی؛

۱. توسعه نقد در ابعاد مختلف برنامه‌های درسی موجود قبلی ۱۳۹۱ و فعلی در پنج دانشگاه بررسی شده، و رسیدن به دسته‌بندی و جمع‌بندی نهایی با عنوان: نقد و تحلیل برنامه‌های درسی دوره کارشناسی علم اطلاعات و دانش‌شناسی؛

۲. تدوین و توسعه چارچوبی برای تحول در برنامه درسی دوره کارشناسی علم اطلاعات و دانش‌شناسی در قالب فهرست معیارها و توصیف دقیق و عمیق تک‌تک آن‌ها با عنوان: ارائه چارچوبی برای تحول در برنامه درسی دوره کارشناسی علم اطلاعات و دانش‌شناسی؛

۳. توسعه توصیفات و تحلیل‌های مربوط به بخش انواع دروس عمومی، پایه، و تخصصی الزامی و اختیاری با عنوان طرح پیشنهادی برنامه درسی دوره کارشناسی علم اطلاعات و دانش‌شناسی یا ارائه و تبیین طرح پیشنهادی برنامه درسی دوره کارشناسی علم اطلاعات و دانش‌شناسی؛

۴. توسعه مداوم در زمینه ارزیابی طرح‌های پیشنهادی و بررسی ابعاد آن از دیدگاه حرفه‌مندان علم اطلاعات و دانش‌شناسی.

پیشنهادهای نهایی این پژوهش عبارتند از:

- گفت‌وگو درباره ابعاد مختلف چارچوب پیشنهادی،
- برگزاری یک نشست رودررو و چند روزه با افراد کلیدی و صاحب‌نظر،
- به‌کارگیری طرح و چارچوب پیشنهادی این پژوهش پس از شکل‌گیری گفتمان تخصصی،
- برگزاری همایش، تدوین مقاله، و کتاب در این مورد،
- اجرای یک طرح پژوهشی جامع در پنج محور فوق.

فهرست منابع

- تتو، ز. (۱۳۹۳). تدوین الگوی شایستگی‌های کانونی تخصصی و سنجش آن در میان دانشجویان دوره کارشناسی کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه‌های تهران، شهید چمران، شیراز و فردوسی مشهد. (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد)، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- حیدری، غ. (۱۳۸۸). بازنگری در تعریف کتابداری و اطلاع‌رسانی. فصلنامه کتاب، ویژه کتاب، کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۲۷-۵۲، (۲)، ۷۸.
- (۱۳۸۹). تغییر نام و محتوای آموزشی حوزه کتابداری و علم اطلاعات بر اساس مفهوم هسته‌ی این حوزه و پارادایم غالب عصر حاضر: تدوین چارچوبی برای تفکر. مطالعات کتابداری و علم اطلاعات، ۱۷-۱۱(۶)، ۱۳۵-۱۵۶.
- (۱۳۹۰). آموزش کتابداری و علم اطلاعات در ایران: موانع و راهکارها. کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۲(۵۴)، ۷۱-۱۰۵.
- حیدری، غ. (۱۳۹۰). قبض و بسط رشته‌ای در کتابداری و علم اطلاعات. مطالعات کتابداری و علم اطلاعات، ۳(۷)، بهار و تابستان، ۱-۳.
- حیدری، - (۱۴۰۱). نظریه ترکیبات اطلاعات: نمایشی از عمق و گستره اطلاعات در ترکیبات اطلاعات. مطالعات کتابداری و علم اطلاعات، ۱۴(۲)، ۱-۲۱.
- قنادی نژاد، ف. و حیدری، غ. (۱۳۹۶). اولویت‌های پژوهشی و انتخاب موضوع در علم اطلاعات و دانش‌شناسی. نشر چاپار، اساطیر پارسی.
- گرای، الف. (۱۳۹۰). تدوین الگوی شایستگی‌های کانونی و سنجش آن در میان دانشجویان دوره کارشناسی کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه‌های تهران، شهید چمران و فردوسی مشهد. (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد)، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- (۱۳۹۵). آینده‌نگاری راهبردی آموزش علم اطلاعات و دانش‌شناسی در ایران با رویکرد برنامه‌ریزی سناریومنا. (پایان‌نامه دکتری)، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- گرای، الف. و حیدری، غ. (۱۳۹۴). نظریه شایستگی‌های کانونی: الگویی برای برنامه‌ریزی آموزش علم اطلاعات و دانش‌شناسی. تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی، ۲۱(۳)، ۴۶۷-۴۹۰.
- گرای، الف. حیدری، غ. و کوکی، م. (۱۳۹۷). رویکردی کتابشناختی به مسائل و موضوعات اساسی آموزش علم اطلاعات و دانش‌شناسی ایران. تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی، ۲۴(۱)، ۸۰-۵۱.
- موسوی تبار، خ. (۱۳۹۳). مقایسه‌ی دروس مرجع در برنامه‌های آموزشی کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته‌ی علم اطلاعات و دانش‌شناسی با مهارت‌های مورد نیاز کتابداران مرجع از نظر استادان، دانشجویان، و کتابداران شاغل به منظور ارائه‌ی راهکارهایی برای آموزش مرجع. (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد)، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- هراری، ی. (۱۳۹۷). انسان خداگونه: تاریخ مختصر آینده. (ترجمه ز. عالی). فرهنگ نشر نو.

References

- Gerai, A., and Heidari, G. (2015). The theory of focal competencies: A model for planning information science and knowledge education. Information and Public Library Research, 21 (3), 467-490. [In Persian]
- Gerayi, E. (2011). Developing a model of core competencies and its assessment among undergraduate students of library and information science at Tehran, Shahid Chamran and Ferdowsi Universities of Mashhad. (MA thesis), Shahid Chamran Ahvaz, Ahvaz University. [In Persian]
- . (2016). Strategic foresight of information science and knowledge education in Iran with a scenario-based planning approach. (PHD thesis), Daneshgah Shahid Chamran Ahvaz. [In Persian]

- Gerayi, E., Heidari, Gh., & Kookabi, M. (2018). A Bibliographic Approach to the Basic Issues and Topics of Information Science and Knowledge Education in Iran. *Information and Public Library Research*, 24 (1), 80-51. [In Persian]
- Ghanadi Nejad, F., & Heidari, Gh. (2017). *Research priorities and topic selection in information science and epistemology*. Nashre Chapar; Asatir Parsi. [In Persian]
- Harari, Y. N. (2018). *Homo Deus: A Brief History of Tomorrow*. (Z. Ali, Trans). Farhang Nashr No. [In Persian]
- Heidari, G. (2011). Acquisition and expansion of a discipline in library and information science. *Journal of Studies in Library and Information Science*, 3(Vol.3, No.7), 1-3. [In Persian]
- (2022). Information combinations theory: depth and range (theory and practical dimensions) of Information in Information combinations. *Journal of Studies in Library and Information Science*, 14(2), 1-21. [In Persian]
- (2010). Changing the name and educational content of the field of library and information science based on the core concept of this field and the dominant paradigm of the present era: Developing a framework for thinking. *Journal of Studies in Library and Information Science*, 6(1-17), 135-156. [In Persian]
- (2011). Library and Information Science Education in Iran: Obstacles and Solutions. *Library and Information Sciences*, 14(2), 71-105. [In Persian]
- (2009). A review of the definition of librarianship and information. *Book Quarterly, Special Issue on Books, Librarianship and Information*, 78 (2), 27-52. [In Persian]
- Mousavi Tabar, S. Kh. (2014). Comparing reference courses in undergraduate and graduate programs in information science and knowledge studies with the skills required by reference librarians from the perspectives of professors, students, and working librarians in order to provide solutions for reference education. (Master's thesis), Shahid Chamran University of Ahvaz. [In Persian]
- Tenoo, Z. (2014). Developing a model of specialized focal competencies and its assessment among undergraduate students of library and information science at Tehran, Shahid Chamran, Shiraz and Ferdowsi University of Mashhad. (Master's thesis), Shahid Chamran University of Ahvaz. [In Persian]